

www.ketab.ir

بر اساس زندگی و خاطرات

امیر شهید شاهمراد نقدی

سرشناسه: کیانی، امین، ۱۳۶۹ - / عنوان و نام پدیدآور: شجاع نبرد: خاطرات و زندگینامه
 امیر شهید شاهمراد نقدی / امین کیانی: [به سفارش اداره کل بنیاد حفظ آثار و نشر
 ارزش‌های دفاع مقدس استان لرستان] / مشخصات نشر: خرم‌آباد: نشر پراکنده،
 ۱۳۹۵ / مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص.:: مصور (بخشی رنگی): رقعی. / شابک: ۶۰۰-۹۷۸-۶-۷
 ۹۶۶۹۹ / وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا / عنوان دیگر: خاطرات و زندگینامه امیر
 شهید شاهمراد نقدی. / موضوع: نقدی، شاهمراد، ۱۳۲۹-۱۳۶۱ / موضوع: جنگ ایران و
 عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشتنامه / موضوع: Iran-Iraq War, 1980-1988
 -- Martyrs -- Biography / موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- لرستان --
 شهیدان / موضوع: Lorestan -- Martyrs -- Iran-Iraq War, 1980-1988 / موضوع:
 شه‌دان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات / موضوع: Martyrs -- Iran -- Survivors
 -- Diane / شناسه افزوده: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس. اداره کل
 حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان لرستان / رده‌بندی کنگره: / ۱۶۲۶ DSR
 ۱۳۹۵ / شابک: ۷۴۳ / رده‌بندی دیویی: ۰۹۲/۰۸۴۳/۹۵۵ / شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۶۶۳۹۳



اداره کرامت استان

شجاع نبرد

■ نویسنده امین کیانی

■ ناشر پراکنده

■ طراح جلد بابک عباسیان

■ صفحه‌آرا حسین قاسمیان

■ نوبت چاپ اول، ۱۳۹۵ / ۱۰۰۰ نسخه

■ قیمت ۱۵۰۰۰ تومان

■ شابک ۶-۷-۹۶۶۹۹۹-۶۰۰-۹۷۸

ناظر چاپ: خدمات چاپ و صحافی پژواک ۰۹۱۲۵۵۲۰۴۶۹

تمام حقوق محفوظ است

مراکز پخش:

مدیریت پخش: نشر پراکنده خرم‌آباد- میدان ناصر خسرو- خیابان رودکی- روبه‌روی دبیرستان دخترانه
 فرهنگیان، تلفکس: ۰۶۶۳۳۲۴۰۵۲۶- همراه: ۰۹۱۶۱۵۹۴۸۷۶ / mt.parnyan@gmail.com / ۱/ انتشارات
 ستارگان آسمان خرم‌آباد، خیابان امام خمینی، ترسیده به میدان امام حسین (ع)، طبقه همکف دانشگاه
 امام حسین (ع)، تلفن: ۰۶۶۳۳۴۱۸۸۱۵ / ۲/ باتوق کتاب خرم‌آباد خیابان شهید مطهری، سه راه اول روبروی
 بانک صادرات، تلفن: ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۷۴ / ۳/ کتابفروشی انجمن قلم ایران تهران، میدان جمال‌الدین اسدآبادی،
 ۴۰۲۱-۸۸۰۴۸۹۱۵ / نهاد کتابخانه‌های عمومی استان لرستان

فهرست

❖ بی مقدمه ۱۳

❖ تولد ۱۹

تولد تا انقلاب / ۱۷

❖ پسر پهلوان محمد باقر ۲۰

❖ شکستن دماغ و بازداشت ۲۵

❖ تنبیه برای نوشابه ۲۸

❖ ورزش در دوره تهیگی ۳۰

مناطق غرب / ۳۱

❖ سوابق عملیاتی گردان ۱۳۹ در غرب ۳۱

❖ خاطرات پدر ۳۶

❖ تعویض یگان ۳۸

❖ ستون کشی به پاوه ۴۱

❖ داوطلب با نقدی ۴۴

❖ رفاقت با نقدی ۵۱

- ۵۴ پاکسازی جاده
- ۶۰ تیراندازی یک دستی
- ۶۴ بمباران ستون
- ۶۶ آشنایی و عملیات با نقدی
- ۶۹ صیادشیرازی
- ۷۱ کمک به سپاه جوانرود
- ۷۴ هجوم چریک های دموکرات
- ۷۶ افسانقلابی
- ۷۸ بجروحیت
- ۷۹ پیام تجوئیس ستاد مشترک
- ۸۰ پاسخ حضرت امام خمینی علیه السلام
- ۸۱ فرمانده قرارگاه تیپ
- ۸۳ انتقال به قرارگاه تیپ
- ۸۵ فرمانده گردان
- ۸۷ آرزوی دیدار
- ۸۸ بازگشت به گردان
- ۸۹ باشگاه پاه
- ۹۲ تدارک عملیات
- ۹۷ سربازگم شده
- ۱۰۲ فرمانده مقتدر
- ۱۰۴ ۴۰ کیلومتر پیاده روی
- ۱۰۶ رسیدگی به بچه ها
- ۱۰۹ فرمانده خاکی
- ۱۱۱ شهادت بچه ها و نماز وحدت

- ۱۱۶ نبرد با ضدانقلاب،
 ۱۲۲ تیر کلاشینکف
 ۱۲۶ میل زدن با ژ ۳
 ۱۲۹ چلوکباب
 ۱۳۰ غیرت پیرمرد و نبوغ نقدی
 ۱۳۴ عشق به امام خمینی علیه السلام
 ۱۳۸ تلاش برای اجرای عملیات
 ۱۴۱ سواهای تراشیده
 ۱۴۳ توان گان
 ۱۴۵ فرمانده همیشه آماده
 ۱۵۱ خراب شدن ماشین در برف
 ۱۵۳ دیدار با حاج آقا بابایی
 ۱۵۵ جلسه هماهنگی
 ۱۵۸ جاماندن از عملیات
 ۱۶۰ شروع عملیات محمدرسول الله صلی الله علیه و آله
 ۱۶۳ احسنت به این فرمانده
 ۱۶۴ عملیات محمدرسول الله صلی الله علیه و آله
 ۱۶۸ رمز عملیات
 ۱۷۱ سخنرانی در نماز جمعه
 ۱۷۳ تجزیه و تحلیل عملیات
 ۱۷۷ زمزمه عملیات بزرگ
 ۱۸۰ خدا حافظ کردستان
 ۱۸۱ فرمانده تنها
 ۱۸۴ جنگ رو و ل کنیم، بریم عید دیدنی؟!



- ❖ صدام، چمدانش را بسته است! ۱۸۶
- ❖ شهادت حضرت زهرا علیها السلام ۱۹۰

مناطق جنوب / ۱۹۱

- ❖ انتظار از فرمانده ۱۹۳
- ❖ ترک دادن معتادان ۱۹۶
- ❖ مأموریت جنوب ۱۹۹
- ❖ عملیات فتح المبین ۲۰۱
- ❖ خلبان عراقی ۲۰۴
- ❖ ناسای ۲۰۶
- ❖ قرارگاه قدس ۲۰۸
- ❖ رمز عملیات ۲۰۹
- ❖ توقف عملیات ۲۱۱
- ❖ نماز وحدت ۲۱۲
- ❖ نماز در حال حرکت ۲۱۶
- ❖ شکار تانک ۲۱۷
- ❖ وحشت بعثی ها ۲۲۰
- ❖ ساعت اقداماتم ۲۲۲
- ❖ مبانی تعیین هدف گردان ۱۳۹ ۲۲۳
- ❖ شهادت نریمان حیدری ۲۲۵
- ❖ غنیمت غدغن ۲۲۸
- ❖ سرگرد زحمتکش ۲۳۰
- ❖ پیام حضرت امام خمینی ره ۲۳۵
- ❖ وقف عملیات ۲۳۹
- ❖ زخمی ۲۴۳

- ۲۴۴ خاگریز
 ۲۴۷ با پانسمان برگشت
 ۲۴۹ سرگرد کجا رفت؟
 ۲۵۴ خبر شهادت نقدی از بیسیم عراقی‌ها
 ۲۵۸ چگونگی شهادت نقدی
 ۲۶۲ سرِ رُس
 ۲۶۴ داغ شاه مراد
 ۲۶۵ یتیمی گردان
 ۲۶۷ منابع
 ۲۶۹ اعلام
 ۲۷۹ تصاویر



○ بی‌مقد ۴

برای گفتن حرفی میان شما آمده‌ام، سخن از وصف شهید است. قلم زدن در وادی شهید و شهادت، مانند غم‌طه‌ور شدن در اقیانوسی است پر تلاطم که پراست از مرواریدهای خاطره. مرواریدهای خاطره‌ای که در سطر به سطر و شاید کلمه به کلمه، درس ایثار و جوانمردی را به انسان دیکته می‌کند. کافی است که در خانه کسی باشد.

سخن از شهیدانی است که زیبایی جهانند، پاک‌بی‌منت و بی‌ادعا خود را فدای دین و میهنشان کردند. شهیدانی که تاریخ را سبزه کردند و به آن آبرو بخشیدند. با آن همه دل‌آوری و ایثار و از خود گذشتگی، شهیدانی که یک ملت به خود می‌بالند که چنین فرزندی را در خود پرورانده‌اند. و شهیدانی که امام امت خطاب به آنان «یا لینی کننت معک» می‌گوید.

از کنار مصلاهی الغدیر شهرمان خرم آباد که می‌گذشتم عکس دو شهید بر روی دیوار نقش بسته بود. توجه‌ام را به خودش جلب می‌کرد. از شهید و شهادت زیاد شنیده بودم؛ اما شاید هیچ وقت در بطن زندگی یک شهید قرار نگرفته بودم. یک روز با تاکسی از مقابل مصلا رد می‌شدم. یک نفر جلو نشسته بود.

به عکس «شاهمراد نقدی» روی دیوار که رسیدیم، آن مرد شروع کرد به بیان خاطره‌ای از این شهید. چند روز حواسم پیش عکس آن شهید بود و خاطره آن مرد. مدام به آن دو فکر می‌کردم. شب با دوستان در کنار مزار شهدای گمنام، روی تپه شهدا بودیم. در مورد شهدا صحبت می‌کردیم. یکی از دوستان کتابی را معرفی کرد و گفت: کتاب «ناگفته‌های جنگ» رو حتما بخونید، خاطرات سیادشیرازیه. کتاب خیلی خوبیه. اتفاقاً در مورد یکی از شهدای خودمون هم نوشته. پرسیدم:

- در مورد کدام شهید؟

گفت:

- شهید شاهزاده ی.

فردای آن روز کتاب را بهیچ وجه نخواندم. دز عرض دو روز با ولع تمام کتاب را خواندم. تصمیم خودم را گرفته بودم. اید در مورد این شهید بیشتر بدانم. شروع کردم به جمع‌آوری مطالب از اطراف و بهیچ وجه که در مورد شاهمراد نقدی وجود داشت.

در جمع‌آوری و نوشتن مطالب بارها و بارها پیش آمد که قلم از بیان حقایق نبرد ناتوان می‌نمود. البته نه تنها قلم که دستم، کلمات هم برای وصف ابعاد شخصیتی این شجاعان نبرد، کم می‌آورد. انسان می‌ماند و به فکر فرو می‌رود که اینان که‌اند. به یاد شعر حضرت حافظ می‌افتم: «بیا فرمود:

«با صبا در چمن لاله، سحر می‌گفتم

که شهیدان که‌اند این همه خونین کفنان

گفت حافظ من و تو محرم این راز نه‌ایم

از می‌لعل حکایت کن و شیرین ده‌نان»

دم مسیحایی پیرو مرشدان خمینی، چگونه اینان را مجذوب و مشتاق کرده بود که این شعار جناب مولوی «مرگ اگر مرد است گونزد من آی» را در عمل نشان دادند.

آنچه نگاشته‌ایم شرح حال شاه‌مراد نقدی است. این تحفه ناچیز قطره‌ای است از اقیانوس بیکران شهید که وجودش را در وجود آن واجب‌الوجود گم کرده بود. این عشق است که خود را میان سطر به سطر این نوشتار مخفی نموده تا چراغی باشد برای تاریکی‌هایی که زاییده غرب است و شرق و راهنمایی باشد برای گمراهی‌های عصر مدرنیته.

این نوشته نه برای زنده کردن نام شاه‌مراد است که او خود نامش تا ابد بر افق ایران اسلامی می‌درخشد و فخری است برای لرستان که چنین فرزندی را در خرد پرورش داده، بیشتر تلنگری است برای خودمان. تمام سعی و تلاشم را به کار بسته‌ام تا ابی در شان شاه‌مراد نقدی انجام دهم؛ اما چقدر سخت است خاطرات آن ده سال را با مردان را با ادبیات و گفتار امروز تطبیق دادن. دغدغه‌های آن روز با دغدغه‌های امروز چیست؟ امیدوارم و امید دارم این مختصر که گویی به نفع کم نگارنده است به مذاق خوانندگان خوش آید و آنان با بزرگواری استای گم‌گذاشتن در این مسیر طولانی را بر نویسنده چون صاحب این قلم ببخشایند.

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس

که دراز است ره مقصد و من نویسم



در این نوشتار از خاطرات عزیزی که بهره برده‌ایم به این شرح است:
 امیر سپهبد شهید علی صیاد شیرازی، امیر سرتیپ سیاوش جوانمیران، امیر سرتیپ حسین یاسینی ویستی، امیر سرتیپ اسکندر بیرانوند، سردار سرتیپ دوم پاسدار جمیل بابایی، امیر سرتیپ دوم محسن شاهان، امیر سرتیپ دکتر حاتمی، امیر سرتیپ دوم کیومرث سپهری، امیر سرتیپ دوم ستاد علی عبدی بسطامی، سرهنگ پرویز شرفیان، سرهنگ محمد رضا یادگاری، دکتر مجید حامدیان، دکتر محمد غفاری، فریدون دادشی، میرزا علی نقدی، مسعود نقدی،

مجید سلاطی، رحمان فلاح نژاد، رضا حسینی، سیده مریم شاه‌رخی، فرضعلی
 محمدزاده، محمدپاک نیا، محمدعلی دیانتی، حسن رضا صادقی، سیروس
 حقگو. برخود فرض می‌دانم که از تک تک بزرگوارانی که حقیر را در این راه
 مساعدت نمودند کمال تشکر و امتنان را داشته باشم.

www.ketab.ir